

صحیفة الحسین علیہ السلام

[213] اکنون به نیازمندیم بسوی تو توسل می جویم، و چگونه بسوی تو توسل جویم به آنچه محال است که بتو برسد، یا چگونه احوالم را نزد تو به شکایت ببرم در حالیکه بر تو پوشیده نیست، یا چگونه حالم را نزد تو بیان کنم در حالیکه نزد تو آشکار است، یا چگونه آرزوهایم را به نا امیدی می کشانی در حالیکه آنها به درگاه تو وارد شده است، یا چگونه احوالم را نیکو نگردانی در حالیکه بوسیله تو برپا ایستاده است. بارالها ! با وجود نادانی بسیارم چقدر به من لطف داری، و با کردار زشتم چقدر به من مهربانی، معبودا چقدر به من نزدیکی و من بتو دورم، و چقدر به من مهربانی، پس چه چیز تو را از من باز داشته است، خدایا از تغییر آثار و دگرگونی احوال دانستم که خواست تو آنستکه در هر چیز خود را بمن شناسائی تا در چیزی از تو غافل نگردم، معبودا هر گاه فرومایگیم مرا لال نمود کرم تو مرا گویا نمود، و هرگاه صفاتم مرا نا امید ساخت منتهایت مرا به طمع انداخت. بارالها ! آنکه زیبائیهایش زشتی است، چگونه زشتیهایش زشتی نباشد، و آنکه حقائقش صرف ادعاست چگونه ادعاهایش ادعا نباشد، معبودا حکم نافذ تو واراده غالبیت برای سخنگویی سخنی باقی نگذارده و برای صاحب حالی حالی را قرار نداده است.
